

رجعت و رجعت کنندگان به استناد احادیث و روایات

شمسی واقف زاده

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین - پیشوا، ایران.

shvaghefzadeh@yahoo.com

اکرم حکم آبادی

طلبه سطح ۳، حوزه علمیه فاطمه الزهرا، پیشوا.

چکیده

رجعت واقعه ای حکیمانه و هدفمند است که هماهنگ با عقل و ایمان و در راستای تحقق اراده پروردگار و خواست مؤمنان، صورت می پذیرد. خداوند مؤمنان خالص را وعده حاکمیت بر جهان داده است و این مهم بدون بازگشت آنها به دنیا عملی نمی گردد. رجعت عمومیت ندارد، بلکه اختصاص به بندگانی دارد که ایمان یا شرک خود را خالص کرده باشند؛ رجعت مؤمنان اختیاری است اما رجعت کفار با ذلت و اجبار است.

کلید واژه ها: رجعت، رجعت کنندگان، احادیث.

مقدمه

خداوند در هنگام ظهور امام زمان (عج) گروهی از مؤمنان را که پیش از قیام آن حضرت از دنیا رفته اند، به دنیا باز می گرداند تا به پاداش یاری و همراهی و درک حکومت آن وجود مقدس برسند و نیز گروهی از دشمنان ایشان را باز می گرداند تا از آنان انتقام گیرد. مسئله رجعت از مباحث مهم اسلامی است که آیات و روایات فراوانی را به خود اختصاص داده است، از آن جایی که در رجعت شخصیت های مهم و خاص که دارای ایمان و کفر خالص بوده اند به دنیا باز می گردند و همچنین در آن زمان رویارویی معصومین علیهم السلام با دشمنانشان اتفاق خواهد افتاد و وعده خداوند محقق خواهد شد و حق بر باطل غلبه خواهد کرد و اولیاء خدا حاکمان زمین خواهند شد، این واقعه از وقایع مهم و خاص به شمار می آید.

معنای لغوی رجعت

در معنای لغوی رجعت، آمده است: «فَلَانٌ يُؤْمِنُ بِالرَّجْعَةِ إِي بِالرُّجُوعِ إِلَى الدُّنْيَا بَعْدَ الْمَوْتِ؛ فَلَانِي بِهِ رَجْعَتِ اِيْمَانٍ دَارِدٌ؛ يَعْنِي بِهِ بَازْغَشْتِ بِهِ دُنْيَايَ پَسِ از مَرگِ اِيْمَانِ دَارِدٌ.» (جوهری، ۱۴۰۷: ۱۱۱۶/۳) صاحب مصباح المنیر می نویسد: «الرَّجْعَةُ بِالْفَتْحِ بِمَعْنَى الرُّجُوعِ، وَ فَلَانٌ يَوْمِنُ "بِالرَّجْعَةِ" أَيْ بِالْعَوْدِ إِلَى الدُّنْيَا؛ رَجْعَتٌ بِهِ - فَتْحٌ رَاءَ - بِهِ مَعْنَى بَازْغَشْتِ مِي بَاشِدُ وَ فَلَانِي بِهِ رَجْعَتِ اِيْمَانٍ دَارِدٌ؛ يَعْنِي بِهِ بَازْغَشْتِ بِهِ دُنْيَا.» (فیومی، ۱۴۱۴: ذیل ماده رجع)

در تاج العروس آمده است: «الرَّجْعَةُ، الْمَرَّةُ مِنَ الرُّجُوعِ رَجْعَتٌ، يَكُ بَارِ بَازْغَشْتِ مِي بَاشِدُ.» (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۱/۱۵۶)

در مفردات آمده است: «رُجُوعٌ: بَازْغَشْتٌ بِهِ اَنْ چِه اَازِ اَنْ بُوْدِه يَ اِ تَقْدِيرِ اَازِ بُوْدِه، چِه اِز نَظَرِ مَكَانٍ يَ اِ كَارٍ يَ اِ سَخْنٍ، چِه بِهِ ذَاتِ اَنْ بَاشِدُ يَ اِ بِهِ جِزْئِيٍّ اِز اِجْزَايِ اَنْ يَ اِ بِهِ كَارِيٍّ اِز كَارِهَائِي اَنْ پَسِ رُجُوعٌ، بَازْغَشْتِي رَا كُوبِنْدِ كِه هِم دَر طَلَاقِ بِهِ كَارِ مِي رُوْدُ وَ هِم دَر بَازْغَشْتِ بِهِ دُنْيَا بَعْدِ اِز مَرْدَن. اِز اِيْن رُو اِسْتِ كِه مِي كُوبِنْدِ فَلَانِي بِهِ رَجْعَتِ اِيْمَانٍ دَارِدُ.» (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲: ذیل ماده رجع)

رجعت در معنای اصطلاحی

شیخ مفید در تعریف رجعت آورده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَرُدُّ قَوْمًا مِنَ الْأَمْوَاتِ إِلَى الدُّنْيَا فِي صُورِهِمُ التِّي كَانُوا عَلَيْهَا، فَيَعِزُّ مِنْهُمْ فَرِيقًا، وَ يُذِلُّ فَرِيقًا، وَ يُدْبِلُ الْمُحَقِّقِينَ مِنَ الْمُبْطِلِينَ، وَ الْمَظْلُومِينَ مِنْهُمْ عَنِ الظَّالِمِينَ، وَ ذَلِكَ عِنْدَ قِيَامِ مَهْدِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ عَلَيْهِ السَّلَامُ...؛ خَدَاوَنْدِ گِرُوْهي اِز مَرْدگانِ رَا بِهِ هِمَانِ صُورَتِ هَائِي كِه دَر گِذْشْتِه بُوْدَنْد، بِهِ دُنْيَا بَرِ مِي گِرَدَانْد. پَسِ گِرُوْهي رَا عَزِيْزِ وَ دِسْتِه دِيْگَرِ رَا ذَلِيْلِ مِي كَنْدِ وَاَهْلِ حَقِّ رَا بَرَاهِلِ بَاطِلِ غَلْبِه وَ نَصْرَتِ دَادِه وَ مَظْلُومَانِ رَا بَرِ ظَالِمَانِ وَ سَتْمِگَرَانِ پِيْرُوْزي مِي بَخْشِد. اِيْنِ وَاَقْعِه، هِنْگَامِ ظُهْرِ مَهْدِي آلِ مُحَمَّدِ خَوَاَهْدِ بُوْدُ...» (سليمان، بی تا: ۳۰)

سید مرتضی می فرماید: «اعلم، أَنَّ الَّذِي تَذْهَبُ الشَّيْعَةُ الْإِمَامِيَّةُ إِلَيْهِ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَعِيدُ عِنْدَ ظَهْرِ إِمَامِ الزَّمَانِ الْمَهْدِي عَجَلَ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ قَوْمًا مِمَّنْ كَانُوا قَدْ تَقَدَّمُوا مَوْتَهُ مِنْ شَيْعَتِهِ؛ لِيَفُوزُوا بِثَوَابِ نَصْرَتِهِ، وَ مَعُونَتِهِ وَ مَشَاهِدَةِ دَوْلَتِهِ، وَ يَعِيدُ أَيْضًا قَوْمًا مِنْ أَعْدَائِهِ؛ لِيَنْتَقِمَ مِنْهُمْ؛ فَلْيَتَلَذَّوْا بِمَا يَشَاهِدُونَ مِنْ ظَهْرِ الْحَقِّ وَ عُلُوِّ كَلِمَةِ اِهْلِهِ؛ بَدَانِ، عَقِيْدِه شَيْعِه چِنِيْنِ اِسْتِ كِه خَدَاوَنْدِ دَر هِنْگَامِ ظُهْرِ اِمَامِ زَمَانِ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ گِرُوْهي اِز شَيْعِيَانِ رَا كِه پِيْشِ اِز قِيَامِ اَنْ حَضْرَتِ اِز دُنْيَا رَفْتِه اَنْد، بِهِ دُنْيَا بَازِ مِي گِرَدَانْدِ تَا اَنَّاَنْ بِهِ پَادَاشِ يَارِيٍّ وَ هِمْرَاهِيٍّ وَ دَرَكِ حُكُومَتِ اَنْ وَجُودِ مَقْدَسِ بَرَسَنْدِ وَ نِيْزِ گِرُوْهي اِز دَشْمَنْانِ اِيْشانِ رَا بَازِ مِي گِرَدَانْدِ تَا اِز اَنَّاَنْ اِنْتِقَامِ گِيْرِد. پَسِ اَنَّاَنْ اِز مَشَاهِدِه اَشْكَارِ شَدْنِ حَقِّ وَ عُلُوِّ سَخْنِ (پِيْرُوْزي اَيِيْنِ) پِيْرُوَانِ اَنْ لَذْتِ مِي بَرَنْد.» (علم الهدى، ۱۴۰۵: ۱/۱۲۵)

شیخ حر عاملی چنین می گوید: «اعلم، أنَّ الرجعه منا هی الحیاء بعد الموت قبل القیامه، و هو الذی یتبادر من معناها، و صرّح به العلما هنا؛ كما یأتی و منهم من مواقع استعمالها، و وقع التصریحُ به فی احادیثها؛ بدان، که رجعت در اینجا، همان حیات و زندگی پس از مرگ و قبل از قیامت است و این همان معنایی است که از لفظ رجعت به ذهن متبادر می شود و علما نیز به آن تصریح کرده اند؛ چنانکه از استعمالات آن فهمیده می شود و در بعضی از احادیث به آن تصریح شده است.» (حر عاملی، ۱۴۲۲: ۶۱)

علامه میرزا ابوالحسن قزوینی در تعریف رجعت می نویسد: «رجعت؛ یعنی رجوع ارواح و نفوس ناطقه مقدسه حضرت رسالت پناهی و ائمه طاهرین (ع) به بدن های عنصری و جسدهای دنیوی خویش.» (رفیعی قزوینی، ۱۳۷۶: ۱۰)

برخی از مفسران معاصر گفته اند: رجعت؛ از عقاید معروف شیعه بوده و تفسیرش عبارت است از: بعد از ظهور حضرت مهدی (عج) و در آستانه رستاخیز، گروهی از مؤمنان خالص و کفار طاغیان بسیار شروء به این جهان باز می گردند؛ گروه اول مدارجی از کمال را طی می کنند و گروه دوم کیفیهای شدیدی می بینند. (مکارم شیرازی، بی تا: ۵۵۵/۱۵) خداوند به هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام عده ای از اموات که دارای ایمان خالص و یا شرک خالص بوده اند را با همان صورتی که در زمان حیات خود داشته اند به دنیا باز می گرداند تا مؤمنان به عزت و حاکمیت زمین دست یابند و مشرکان مورد عذاب قرار گیرند. (اکبری، ۱۳۸۷: ۱۳)

امکان بازگشت به دنیا

رجعت، بازگشت انسان به دنیا و ادامه حیات مجدد او می باشد؛ یعنی پس از مدتی که ارتباط روح با جسم قطع گردید، دوباره به آن تعلق می گیرد. جسم زنده می شود و با تدبیر روح به حیات خود ادامه می دهد. حال این سؤال مطرح است که آیا ممکن است، جسم انسان دوباره دارای حیات شود و روح به آن تعلق گیرد و زندگی دوباره خود را آغاز کند؟

بدون شک اصل حیات مجدد امری ممکن است چرا که قیامت هم چیزی غیر از این نیست. رجعت تشابه زیادی با قیامت دارد به گونه ای که می توان آن را قیامت کوچک نام گذارد؛ زیرا در قیامت بزرگ همه انسان ها بدون استثنا زنده خواهند شد. اما در رجعت عده خاصی از انسان های خوب و انسان های بد زنده می شوند. در قیامت روح به جسم انسان تعلق می گیرد و در رجعت نیز همین تعلق مجدد صورت می گیرد وقتی ما امکان قیامت را با گستردگی شگفت انگیزی که دارد پذیرفته باشیم، رجعت را که در قیاس محدودتری قرار دارد پذیرفته ایم؛ زیرا همان خدایی که قادر است انسان

را بیافریند و به او حیات دهد و در قیامت برانگیزاند تا به اعمال او رسیدگی کند، توان آن را دارد که پیش از قیامت هم، او را به دنیا بازگرداند و این رستاخیز را که از مظاهر شکوهمند قدرت اوست تحقق بخشد. (اکبری، ۱۳۷۸: ۱۹)

امام محمد باقر (ع) در پاسخ ابی الصباح که درباره رجعت سؤال کرد فرمودند: «تلك القدرة . این قدرت خداوند است.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲/۵۳) سید مرتضی علم الهدی رحمه الله در این باره می نویسد: «هیچ شبهه ای بر عاقلی وجود ندارد که بازگشت اموات برای خداوند مقدور است و ذاتا محال نمی باشد.» (علم الهدی، ۱۴۰۵: ۱/۱۲۵)

زمان رجعت

از روایات معصومان (ع) استفاده می شود که رجعت، هم زمان با ظهور حضرت مهدی (عج) صورت می گیرد و همانند برخی حوادث دیگر، جزو معجزات به شمار می آید. زنده شدن مردگان و بیرون آمدن از قبرها در حالی که سر و رویشان را غبار و خاک گرفته و آنان خاک را از سر می افشانند، حالتی است که مردم آن را مشاهده نکرده اند و در آن روز خواهند دید.

در روایتی از امام صادق (ع) می خوانیم: «... واذا آن قیامه مُطِرَ الناس جمادی الآخرةَ و عشرةَ أيامٍ من رجبٍ مطراً لم يرَ الخلائقُ مثله ، فینبتُ اللهُ به لحوم المؤمنین و أبدانهم فی قبورهم، و کأَنّی أنظرُ إلیهم مقبلین من قِبَلِ جهنمه ینفضّون شعوتهم من التراب؛ هنگامی که زمان ظهور، قائم عجل الله تعالی فرجه برسد، در ماه جمادی الآخر و ده روز از ماه رجب بارانی بر مردم می بارد که نظیر آن را پیش تر ندیده بودند و به واسطه آن باران، خداوند گوشت بدن های مؤمنان را می رویاند و گویا آنان را می بینم که از اطراف جهنمه می آیند، در حالتی که خاک های روی سرشان رامی تکانند.» (سلیمیان، بی تا: ۵۳)

برخی از روایات تصریح دارند که زمان رجعت نیز همانند زمان ظهور نامشخص است و تنها خداوند از آن خبر دارد. علی بن ابراهیم قمی می نویسد: «فلَمَّا أَخْبَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ مَا يَكُونُ مِنَ الرَّجْعَةِ قَالُوا: متى يكونُ هذا؟ قال اللهُ: X قُلْ إِنَّ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمْدًا» وقتی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) مردم را از رجعت آگاه کرد پرسیدند در چه زمانی رخ می دهد؟ خداوند به رسولش فرمود: بگو - ای محمد - نمی دانم آنچه به شما وعده داده شده نزدیک است یا آنکه پروردگارت مدتی برای آن قرار داده است.» (قمی، ۱۴۰۴: ۲/۳۹۱)

ویژگی های رجعت

رجعت ویژگی های مختلفی دارد که در اینجا به چند مورد آن اشاره می شود.

۱. قطعیت: وعده های الهی تخلف ناپذیرند و به طور قطع تحقق می یابند چه اینکه قرآن کریم می فرماید: X إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ B [هرگز خداوند نقض وعده خویش نخواهد کرد.] (آل عمران: ۹)

خداوند به مؤمنان وعده پیروزی و حاکمیت جهانی داده است: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده داده است که آنان را به طور قطع حاکم روی زمین قرار دهد.» (نور: ۵۵)

و در آیه دیگر می فرماید: «همانا ما فرستادگان خود و کسانی که ایمان آورده اند را در زندگی دنیا و روزی که شاهدان به یا می خیزند یاری می کنیم.» (غافر: ۵۱)

وامام صادق (ع) فرمود: «والله لا تذهب الايام و الليالي حتى يحيى الله الموتى و يميت الاحياء , ويرد الله الحق الى اهله و يقسم دينه الذي ارتضاه لنفسه و نبيه, فأبشروا, ثم أبشروا فوالله ما الحق إلا في أيديكم؛ به خدا قسم روزها و شبها به پایان نمی رسد تا اینکه خداوند مردگان را زنده کند و زنده ها را بمیراند و خداوند حق را به اهلس بازگرداند و دینی را که مورد رضایت خود و رسولش می باشد به پا دارد. پس بشارت باد بر شما به خدا قسم که حق جز در دست های شما نمی باشد.» (کلینی، ۱۳۶۳: ۵۳۸/۳)

۲. اختیار: بازگشت مؤمنان به دنیا یک امر اختیاری است؛ زیرا رجعت یک لطف الهی می باشد که خداوند به دارندگان ایمان های خالص اختصاص می دهد و پذیرش لطف، اجباری نیست.

مفضل بن عمر گوید: «ذکرنا القائم علیه السلام و من مات من اصحابنا ينتظره. فقال لنا ابو عبدالله عليه السلام: اذا قام اتى المؤمن في قبره فيقال له: يا هذا إنه قد ظهر صاحبك؛ فان تشأ أن تلحق به فالحق، و إن تشأ أن تقيم في كرامه ربك فأقم؛ در محضر امام صادق (علیه السلام) درباره قائم علیه السلام و کسی که در انتظار او می باشد و از دنیا می رود سخن به میان آوردیم، حضرت فرمود: وقتی قائم قیام کند در قبر مؤمن به او گفته می شود: صاحب تو ظهور کرده است اگر می خواهی به او پیبندی؛ پیبوند و اگر هم می خواهی در کرامت پروردگارت بمانی بمان.» (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۵۹)

البته آمدن مؤمنان اختیاری است اما آمدن کفار بر اساس ذلت و اجبار است. آنها خود نمی آیند بلکه آنان را از سر اکراه می آوردند تا به برخی از عواقب اعمال دنیوی خود برسند و کسی توان سرپیچی ندارد.

۳. محدودیت: ویژگی دیگر رجعت، محدودیت رجعت کنندگان است. تنها کسانی باز می گردند که به ایمان خالص و یا شرک خالص رسیده باشند. اما دلیل محدودیت بازگشت کنندگان روایاتی است که در این باره وارد شده است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «ان الرجعة ليست بعامه و هي خاصه, لا يرجع الا من محض الايمان محضاً او محض الشرك محضاً؛ رجعت عمومیت ندارد و خاص می باشد. کسی به دنیا باز نمی گردد مگر اینکه ایمان یا شرک خود را خالص کرده باشد.» (الحلی، ۱۳۷۰: ۳۴)

اهداف رجعت

رجعت یک واقعه حکیمانه و هدفمند است و هدف آن هماهنگ با عقل و ایمان و در راستای تحقق اراده پروردگار عالم و خواست مؤمنان می باشد که ما این اهداف را با تکیه بر آیات قرآن مورد بحث قرار می دهیم.

۱. تحقق وعده حاکمیت مؤمنان بر زمین: مهم ترین هدف رجعت تحقق وعده پروردگار عالم به اهل ایمان است که آنها را حاکم جهان گرداند و اسلام را به دست آنان بر پهنه زمین به اجرا در آورد. خدای متعال به آنان که به ایمان خالص دست یافته اند وعده حاکمیت بر جهان را داده است و این مهم بدون بازگشت آنها به دنیا عملی نمی باشد. بنابراین هدف اعلاى رجعت وفای پروردگار عالم به عهد حاکمیت جهانی مؤمنان است که قرآن این گونه از آن یاد کرده است. (اکبری، ۱۳۸۷: ۱۶۶) X وعده الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امانا یعبدوننی لا یشرکون بی شیئاً و من کفر بعد ذلك فاولئک هم الفاسقون B [خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده داده است که آنان را به طور قطع حاکم روی زمین قرار دهد، همان گونه که به پیشینیان آنها حاکمیت داد و دینی را که برای آنها پسندیده است پابرجا و مستقر خواهد کرد و ترس آنها را به امنیت مبدل می سازد به گونه ای که تنها مرا بپرستید و چیزی را شریک من قرار ندهند و کسانی که پس از آن کافر شوند آنها فاسقانند.] (نور: ۵۵)

۲. عذاب کفار: هدف از رجعت کسانی که به شرک و کفر خالص دست یافته اند عذاب آنهاست که مورد انتقام، ذلت و اجرای حدود الهی قرار می گیرند. انسان های بسیار پلید جز برای عذاب الهی به دنیا باز نمی گردند و نوع عذاب آنها به گونه ای است که در آخرت ممکن نمی باشد؛ از این رو باز می گردند تا در ظرف دنیا به این نوع از عقاب که موجب تنوع و کمال عذاب آنهاست واصل شوند و طعم تلخ عقاب الهی به ویژه ذلت و خواری را در همان خانه دنیا که در آن به تکذیب آیات حق پرداختند و حدود خداوند را زیر پا گذاردند احساس کنند و با یک مرگ همراه با ذلت، دنیا را ترک گویند تا خاطره خوش لذت های نفسانی دنیا که در زمان حیاتشان به آن دست یافتند از میان برود. امام کاظم (ع) فرمود: «لترجعن نفوس ذهبت ولیقتصن یوم یقوم و من عذب یقتص بعذابه و من اغیظ اغاظ بغیظه و من اقتص بقتله و یرد لهم أعدائهم معهم حتی یأخذوا بثأرهم؛ همانا عده ای از انسان ها که مرده اند باز می گردند و در روزی که قائم قیام می کند دشمنان خود را مورد قصاص قرار می دهند. کسی که عذاب شده است عذاب کننده خود را، کسی که مورد خشم قرار گرفته است به خشم آوردنده خود را

و کسی که کشته شده است قاتل خود را قصاص می کند و دشمنان آنها باز گردانده می شوند تا مؤمنان انتقام خون خود را بگیرند.» (حلی، ۱۳۷۰: ۲۸)

امام صادق (ع) فرمود: «اذا قام قائمنا ردَّ اللهُ كُلَّ مُؤَدِّ لِلْمُؤْمِنِينَ فِي زَمَانِهِ فِي الصُّورَةِ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا وَ فِيهَا بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ، لِيَنْصِفَ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ؛ وَ قَتَى قَائِمٌ مَا قِيَامٌ كُنْدَ خَدَاوَنْدِ هِرَّآزَارِ دَهْنَدِهْ بِهْ مُؤْمِنِينَ رَا بِهْ هِمَانِ صَوْرَتِي كِهْ دَرِ زَمَانِ حَيَاتِ خُودِ بُوْدِهْ وَ دَرِ مِيَانِ مَرْدَمِ حُضُورِ دَاشْتِهْ اسْتِ رَا بِهْ دُنْيَا بَازِ مِي گِرْدَانْدِ تَا مُؤْمِنَانِ حَقِّ خُودِ رَا اَزِ اَنهَآ بَازِ گِيرِنْد.» (طبرسی، ۱۴۱۳: ۴۶۴)

و در حدیث دیگری فرمود: «أَنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكْرَهُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ أَصْحَابُهُ وَ يَزِيدُ بْنُ مَعَاوِيَةَ وَ أَصْحَابُهُ، فَيَقْتُلُهُمْ حَذْوَ الْقَدَّةِ بِالْقَدَّةِ؛ أَوَّلِينَ كَسَى كِهْ بِهْ دُنْيَا بَازِ مِي گِرْدَدِ حُسَيْنِ بِنِ عَلِيٍّ وَ يَارَانِ اُو وَ يَزِيدِ بِنِ مَعَاوِيَةَ وَ يَارَانِ اَوْسْتِ پَسِ بَدُونِ كَمِ وَ كَاسْتِ اَنهَآ رَا بِهْ قَتْلِ مِي رَسَانْد.» (العیاشی، ۱۳۷۹: ۲۸۲/۲)

اهداف دیگری را نیز نظیر کسب کمال، شادمانی و کسب صواب، اقامه حدود و قصاص بر زمین مانده، ایجاد روحیه استقامت برای مؤمنان و... بیان کرده اند.

تفاوت رجعت با ظهور حضرت مهدی (ع)

ظهور و قیام حضرت مهدی (ع) آخرین حلقه مبارزه حق و باطل است که از آغاز زندگی بشر در این کره خاکی به پا بوده و با ظهور آن حضرت این حلقه کامل شده و رهبران کفر و پیشوایان باطل نابود شده و زمین از وجود آنها پاک می شود. مهدی موعود (ع) در واقع رهرو ایده آل همه پیامبران و اولیای الهی و مردان مبارز راه حق و حقیقت است که با ظهور آن حضرت این مبارزه به کمال نهایی می رسد و بساط ظلم و بی عدالتی از جهان برچیده شده و تلاش و زحمات مردان الهی در طول تاریخ به بار می نشیند.

اما رجعت عبارت است از برگشت گروهی از مؤمنان خالص و گروهی از سردمداران کفر و شرک که از دنیا رفته اند، گروه اول با دیدن ثمرات، تلاش های شان و تحقق وعده های الهی لذت برده و به عزت نایل شوند و گروه دوم علی رغم خواسته و تلاش های شان با دیدن تحقق حکومت عدل جهانی به ذلت و خواری گرفتار آیند.

بنابراین تفاوت رجعت با ظهور حضرت مهدی (ع) را می شود چنین خلاصه کرد:

۱. ظهور مهدی (ع) برای برچیده شدن ظلم و ستم است. اما رجعت برای دیدن برچیده شدن ظلم

وستم.

۲. حضرت مهدی (ع) که در سال ۲۵۵ هـ.ق چشم به جهان گشوده و تا به حال زنده است، پس از غیبت طولانی، برای تشکیل حکومت جهانی به اذن خداوند ظهور می کند. اما رجعت کنندگان، همه از دنیا رفته اند و به اذن خداوند سر از قبرها بیرون آورده و زنده می شوند. در واقع رجعت، محشر صغری و نمایشی از محشر کبری است.

۳. با ظهور حضرت مهدی و تشکیل حکومت عدل جهانی، یکی از اهداف رجعت که عزت اسلام و مسلمین و ذلت و خواری کفار و منافقین است محقق می شود.

۴. با ظهور حضرت مهدی (ع) دادگاه های رسیدگی به جنایات و تظلماتی که بر رجعت کنندگان صالح رفته است تشکیل می شود و ستمگران تاریخ در حد امکان در همین دنیا به کیفر اعمالشان رسیده، حدود و قصاص تعطیل شده الهی اجرا می شود.

شباهت رجعت با ظهور حضرت مهدی (ع)

همان گونه که رجعت تفاوت هایی با ظهور حضرت مهدی (ع) داشت، شباهت هایی نیز دارد، چنان که این دو روز، با روز قیامت و حشر کبری هم سنخیت و شباهت دارد؛ زیرا در این سه روز آیات الهی و حقایق این عالم با اختلاف مراتب، ظهور و بروز خواهد کرد. همین معنا باعث شده است که ائمه اطهار علیهم السلام بعضی از آیات را به این سه روز تفسیر و تطبیق کنند.

در عصر ظهور حضرت مهدی (ع) وسایل و ابزار مادی متحول شده و بخشی از جهان غیبت به ظهور پیوسته و عقل بشر به برکت حضور معصوم (ع) تکامل می یابد و علوم بشری به نهایت پیشرفت خود نایل شده و در خدمت سعادت او قرار می گیرد. تمام نا امنی ها و بی عدالتی ها از زندگی او رخت بر بسته و احکام الهی جهان گیر شده و در تمام شئون زندگی بشر حاکم می شود. پس از استقرار حکومت حضرت مهدی (ع) حکومت رسول اکرم (ص) و ائمه اهل بیت علیهم السلام که رجعت نموده اند یکی پس از دیگری آغاز می شود. در واقع با ظهور و استقرار حکومت حضرت مهدی (ع) زمینه حکومت های پس از رجعت فراهم می شود. حکومت های عصر رجعت مرحله پایانی و کمال جهان مادی است که جهان به سوی شهود غیب و کشف تمام حقایق حرکت نمود تا این قیامت برپا شود. هر چند ظهور حقایق و عبادت خالصانه ی خداوند، در هنگام ظهور به روز رجعت نمی رسد. اما حقیقت روز رجعت، عبارت است از روزی که خدای سبحان در آن نافرمانی نمی شود، بلکه خالصانه مورد عبادت و پرستش قرار می گیرد و بساط شیطنت شیطان از روی زمین برچیده و بسیاری از حقایق عالم ظاهر آشکار شده، بعضی از مردگان که در خوبی یا بدی برجسته و سرسلسله خوبان و یا بدان

بوده اند زنده شده به دنیا بر می گردند تا این که میان حق و باطل حکم شود و هرکس نتایج دنیایی اعمالش را در حد امکان دریافت کند.

علامه طباطبایی در این باره می نویسد: «انَّ الرَّجْعَةَ مِنْ مَرَاتِبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَإِنْ كَانَ دُونَهُ فِي الظُّهُورِ؛ لِإِمْكَانِ الشَّرِّ وَالْفَسَادِ فِيهِ فِي الْجَمَلَةِ دُونَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ وَلِذَلِكَ رُبَّمَا أُلْحِقَ بِهِ يَوْمُ الظُّهُورِ الْمَهْدَى عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ أَيْضاً؛ لظُهُورِ الْحَقِّ فِيهِ تَمَامَ الظُّهُورِ وَ إِنْ كَانَ هُوَ أَيْضاً دُونَ الرَّجْعَةِ؛ رَجَعَتْ. از مراتب روز قیامت می باشد؛ اگر چه درکشف و ظهور پایین تر از روز قیامت است و دلیل پایین تر بودن آن از قیامت، فی الجمله امکان راه یافتن فساد و شر در آن است، به خلاف قیامت [که هیچ گونه فساد و شری در آن راه نخواهد یافت] و به همین دلیل، روز ظهور حضرت مهدی (عج) فرجه نیز گاه به قیامت ملحق شده، به خاطر ظهور و غلبه تامه حق؛ اگر چه روز ظهور حضرت نیز پایین تر از روز رجعت است.» (طباطبایی، ۱۳۶۵: ۱۰۹/۲ و ۶۳/۳)

این سه روز، از اسرار عالم غیبت است که در آینده محقق می شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۳/۵۳ و ۶۱/۷) و بسیاری از ویژگی های آن الآن برای ما قابل درک نیست. لذا از ائمه اهل بیت علیهم السلام روایت شده؛ روزهای خدا سه روز است، روز ظهور مهدی علیه السلام روز برگشتن و روز قیامت. (طاهری ورسی، ۱۳۸۴: ۲۰۵-۲۰۲)

رجعت کنندگان

در رجعت گروهی از افراد باز می گردند نه همه افراد، همان گونه که خدا در قرآن فرمود: X وَيَوْمَ نَخْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا B [روزی که از هر امتی گروهی را بر می انگیزیم] اما این گروه چه کسانی خواهند بود؟ امام صادق (ع) فرمودند: «انَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَةٍ وَ هِيَ خَاصَةٌ لِأَجْرَعِ إِلَّا مِنْ مُحَضِّ الْأِيْمَانِ مُحَضًّا أَوْ مُحَضِّ الشَّرِّكَ مُحَضًّا» [همانا رجعت عمومی نخواهد بود بلکه گروه خاصی، مؤمنان خالص و مشرکان خالص در رجعت بر می گردند.] (حسینی بحرانی، بی تا: ۴۰۸/۲)

اولین رجعت کننده: امام صادق (ع) فرمودند که: «إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكْرُؤُ إِلَى الدُّنْيَا الْحَسِينُ بْنُ عَلِيٍّ وَ أَصْحَابُهُ، وَ يَزِيدُ بْنُ مَعَاوِيَةَ وَ أَصْحَابُهُ، فَيَقْتُلُهُمْ حَذْوَالْقُدَّةِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكِرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَضِيرًا» [همانا اولین کسی که به دنیا بر می گردد، حسین بن علی علیه السلام و یاران آن حضرت هستند و نیز یزید بن معاویه و اصحاب او که حضرت آنها را یک به یک به هلاکت خواهد رساند.] سپس امام صادق (ع) این آیه را تلاوت فرمودند: «آنگاه شما را به سوی آنها برگردانیم و بر آنها غلبه دهیم و به مال و فرزندان نیرومند مدد بخشیم و عده شما را بسیار گردانیم.» (العباشی، ۱۳۷۹: ۲۸۲/۲)

مدت توقف امام حسین (ع) در رجعت: امام صادق (ع) فرمودند: «إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكْرُ فِي الرَّجْعَةِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ يَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ سَنَةً حَتَّى يَقْسُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ» [همانا اولین کسی که قیام می کند در رجعت حسین بن علی علیه السلام است و توقف می کند در زمین ۴۰ سال تا اینکه موی ابروانش بر روی چشمانش می افتد.] (شیخ مفید، ۱۴۱۴: ۴۶۲/۲)

بازگشت امیر مؤمنان (ع) به دنیا: یکی از مهمترین رجعت هایی که اتفاق خواهد افتاد رجعت امیر المؤمنین علیه السلام است. او به دنیا باز می گردد تا آنچه را خداوند برای آن حضرت اراده کرده است به اجرا درآورد. در روایات آمده است که رجعت ایشان پس از رجعت امام حسین (ع) می باشد. چنان چه حضرت امام صادق (ع) در ذیل این آیات X: *يَوْمَ تَرْجَفُ الرَّاجِفَةُ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ B* [آن روز که لرزاننده بلرزند و به دنبال آن، لرزه دیگر آید.] (نازعات: ۶-۷) فرمود: *الراجفه حسين بن علي و الرادفه علي بن ابي طالب (ع)*؛ راجفه حسین بن علی و رادفه علی ابن ابی طالب است. (الکوفی، ۱۴۱۰: ۵۳۷)

تعداد رجعت های امیر المؤمنین (ع): رجعت امیر المؤمنین (ع) بیش از یک بار است چه اینکه خود فرمود: «إِنَّ لِي الْكُرَّةَ بَعْدَ الْكُرَّةِ وَالرَّجْعَةَ وَالرَّجْعَةَ وَأَنَا صَاحِبُ الرَّجْعَاتِ وَالْكَرَّاتِ» [من دارای رجعت پس از رجعت و بازگشت پس از بازگشت هستم؛ من رجعت ها و بازگشت ها دارم.] (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۹۷/۱)

دابه الارض [جنبنده زمین]: X: *وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ B* [و چون فرمان [عذاب] بر آنان قرار گیرد، جنبنده ای را از زمین بیرون می آوریم تا با آنان تکلم کند که: مردم به آیات ما ایمان نمی آوردند!] (نمل: ۸۲)

در تفسیر مجمع البیان از امیر المؤمنان علی علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود که خود اوست صاحب عصا و نشان گذار. (طبرسی، ۱۴۱۵: ۲۳۴/۷)

و در حدیثی آمده است که حضرت علی (ع) فرمودند: «أَنَا دَابَّةُ الْأَرْضِ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق: ۲۹۷/۲)

رجعت پیامبر و ائمه علیهم السلام: امام صادق (ع) می فرماید: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا...» [از شیعیان] ما نسبت کسی که ایمان به بازگشت ما نداشته باشد... [شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ۴۵۸/۳]

در تفسیر قمی با ذکر سند، از ابو خالد کابلی از امام سجاد (ع) نقل شده است که درباره قول خداوند: X: *إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُكَ إِلَيَّ مَعَادٍ B* (قصص: ۸۵) فرمود: «يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ نَبِيِّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَامِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْأئِمَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ پیامبرتان و امیر مؤمنان علی علیه السلام و ائمه معصومان علیهم السلام به سوی شما باز می گردند.» (قمی، ۱۴۰۴: ۲۴/۲)

رجعت جمعی از اصحاب پیامبر (ص): از بررسی اخبار رجعت استفاده می شود که دو گروه از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وآله رجعت می کنند:

۱. گروهی که بر آل محمد صلی الله علیه وآله ستم کردند و حق را از مجرای خود بیرون کردند و هزاران سال آثار ستم آنها جهان را برای مؤمنان تیره و تار و ناخوشایند ساخت، آنها بر می گردند تا حساب پس بدهند و در محکمه عادلانه دولت حقه به سزای اعمال خود برسند، از کسانی که در این رابطه به اسم آمده است: قنفذ و مولایش می باشد که: هردو آورده می شوند و به عنوان قاتلان محسن فاطمه سلام الله علیهما محاکمه و به دار آویخته می شوند. (ابن قولویه، ۱۴۱۷: ۳۳۴؛ طبری، ۱۴۱۳: ۲۹۷)

عبدالرحیم قصیر می گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «وقتی قائم ما قیام کند، حمیراء (عایشه) برگردانده می شود تا آن حضرت بر او حد جاری کند و انتقام فاطمه سلام الله علیها، دختر محمد صلی الله علیه وآله را از او بگیرد.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۰/۵۳)

۲. گروهی از اصحاب باوفای رسول اکرم صلی الله علیه وآله و یاران و شیعیان باصفای امیر المؤمنان سلام الله علیها که در طریق ولایت ثابت قدم ماندند و هرگز منحرف نشدند که اسامی تعدادی از آنها در احادیث آمده است و به برخی از آنها در اینجا اشاره می کنیم: سلمان فارسی، مقداد، جابر بن عبدالله انصاری، ابودجانة ی انصاری، مفضل بن عمر، مالک اشتر، حران بن اعین و میسر بن عبدالعزیز، عبدالله بن شریک عامری، داود رقی. (فیض کاشانی، ۱۴۱۶: ۲۳۸/۳؛ العیاشی، ۱۳۷۹ق: ۳۲/۲؛ طباطبایی، ۱۳۶۵: ۳۱۰/۱۳)

رجعت پیامبران: قرآن می فرماید: «یاد کن هنگامیکه خداوند از پیامبران پیمان استوار گرفت (وبه آنان گفت) هرگاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس پیامبری به سوی شما می آید که آنچه را با شماست تصدیق می کند، به او ایمان بیاورید و به یاری وی برخیزید! بعد به آنان گفت آیا اقرار نمودید و به آن پیمان مؤکد بستید گفتند اقرار نمودیم آن گاه گفت: پس گواه باشید و من نیز با شما از گواهانم.» (آل عمران: ۸۱)

این آیه طبق روایات اشاره به رجعت همه پیامبران الهی دارد. و زمانی تحقق می یابد که خداوند همه پیامبران و مؤمنان را برای یاری امیر المؤمنین گرد هم می آورد و پرچم رسول اکرم (ص) به دست امیر المؤمنین داده می شود و در آن روز ایشان، امیر همه مخلوقات می شود و همه خلائق در زیر پرچم او قرار می گیرند. بنابراین در روزگار رجعت همه پیامبران الهی از آدم تا خاتم باز می گردند و در برابر امیرمؤمنان شمشیر می زنند تا به عهد و میثاقی که خدا از آنها گرفته وفا نمایند. (قمی، ۱۴۰۴: ۲۴۷/۱)

از امام صادق (ع) در مورد آیه: X و $Jَعَلَكُمْ$ انبیاء و جعلکم ملوکاً B (مأئده: ۲۰) سؤال شد، امام (ع) فرمود: پیامبران، رسول الله، ابراهیم، اسماعیل و فرزندان ایشان هستند و ملوک پادشاهان، ما هستیم. عرض

کردم: «کدام ملک و پادشاهی به شما داده شده است؟» فرمود: «ملک بهشت و ملک رجعت.»
(مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵/۵۳)

رجعت اسماعیل صادق الوعد: در میان پیامبران عظیم الشانی که نامشان در قرآن کریم آمده است، دو تن "اسماعیل" نام دارد که یکی از آنها پسر حضرت ابراهیم قهرمان توحید، و دیگر ملقب به "صادق الوعد" است که قرآن کریم در سوره مریم از او به عنوان "صادق الوعد" یاد کرده می‌فرماید: *X* وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا *B* [در کتاب اسماعیل را یاد کن که صادق الوعد بود و از پیامبران مرسل بود.] (مریم: ۵۴) از امام صادق (ع) در این باره پرسیدند: «آیا او همان اسماعیل پسر ابراهیم است؟ مردم می‌پندارند که او همان اسماعیل پسر ابراهیم (ع) است. فرمود: اسماعیل پیش از ابراهیم درگذشت؛ و ابراهیم حجتی بود برای خدا برپای ایستاده و دارای شریعت، بنابراین، اسماعیل به سوی چه کسی فرستاده شد؟! عرض کردم: فدایت شوم، پس او که بود؟ فرمود: او اسماعیل بن حزقیل پیامبر بود که خداوند او را به سوی قومش برانگیخت؛ اما آنان او را تکذیب نموده و کشتند و پوست صورتش را کردند. به این جهت، خدا بر آنان خشم گرفت و سظاطئیل فرشته عذاب را به سوی او فرستاد؛ او به اسماعیل گفت: «ای اسماعیل! من سظاطئیل فرشته عذاب هستم که پروردگار با عزت مرا به جانب تو فرستاده تا اگر بخواهی، قومت را به انواع عذاب گرفتار سازم!» اسماعیل گفت: «ای سظاطئیل! من نیازی به آن ندارم!» خدای تبارک و تعالی به او وحی کرد. ای اسماعیل چه حاجتی داری؟ عرض کرد: «خداوندا، تو برای ربوبیت خود، رسالت محمد صلی الله علیه وآله و ولایت اهلبیتش پیمان گرفته ای، و برگزیدگان بندگانت را آگاه ساخته ای که امت او با امام حسین چه رفتار خواهند کرد. خداوندا، تو امام حسین را وعده کرده ای که به دنیا رجعت بدهی، تا شخصا از قاتلینش انتقام بگیرد. حاجت من اینست که مرا نیز در رجعت بازگردانی. تا شخصا از کسانی که با من چنین رفتار کرده اند انتقام بگیرم. خداوند اسماعیل بن حزقیل را وعده داد که همراه امام حسین علیه السلام رجعت کند.» (ابن قولویه، ۱۴۱۷: ۶۵؛ حسینی بحرانی، بی تا: ۱۶/۳)

بر اساس این حدیث و احادیث دیگری که این معنی را تأیید می‌کنند "اسماعیل" پسر حزقیل از پیامبرانی است که در تفاسیر و کتب حدیثی تصریح شده که در رجعت باز می‌گردد و از کسانی که با او چنین رفتار فجیعی کردند انتقام می‌گیرد.

زنان رجعت کننده: اگر چه روایات رجعت، به طور معمول به زن یا مرد اختصاص ندارد و تحت عنوان مؤمن محض و کافر محض آمده روایات اندکی به رجعت بانوان اشاره کرده است. از جمله، روایت مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام که فرمود: «یکن مع القائم ثلاث عشرة امرأةً قلت: و ما یصنع بهن؟ قال: یداوین الجرحی، و یقمن علی المرضی کماکان مع رسول الله. قلت: فسمهن لی.

قال: القنوابتُ رشيدة و أمّ أيمن و حبابه الوالبيه، و سمّيه أمّ عمار بن ياسر، و زبيدة، و أمّ خالد الأحمسيه، و أمّ سعيد الحنفيه، و صيانه الماشطه، و أمّ خالد الجهينه؛ همراه قائم عجل الله تعالى فرجه سيزده زن خواهند بود. گفتیم: برای چه منظور؟ فرمود: آنها مجروحان را مداوا و به مریض ها رسیدگی می کنند، همان گونه که وقتی همراه پیامبر که بودند، چنین می کردند. عرض کردم: [اگر ممکن است] آنها را نام ببرید. ام سعید حنفيه، صبانه ماشطه و ام خالد جهينه. «(الطبری، ۱۴۱۳: ۲۴۷)

رجعت مؤمنان محض و کافران محض: دسته ای از روایات، بدون اینکه مشخصاً افراد خاصی را ذکر کنند، رجعت کنندگان را تحت عنوان کلی، مؤمنان خالص و کافران خالص ذکر کرده است. صاحب تفسیر قمی می نویسد: حدثنی ابی عن ابی عمیر، عن المفضل، عن ابی عبدالله (ع) فی قوله تعالی: **X** وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا **B** (نمل: ۸۳) قال: «ليس أحد من المؤمنين قُتِلَ الا يرجع حتى يموت، و لا يرجع الا من محض الايمان و محض الكفر محضاً؛ مفضل از امام صادق علیه السلام درباره آیه «و آن روز که از هر امتی گروهی را محشور می گردانیم» نقل کرد که آن حضرت فرمود: هیچ مؤمنی کشته شده نیست، مگر اینکه باز می گردد تا به مرگ طبیعی از دنیا برود و [البته] بر نمی گردد، مگر مؤمنان محض و کافران محض.» (قمی، ۱۴۰۴: ۱۳۱/۲)

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «ان الرجعه ليست بعامه و هي خاصة لا يرجع الا من محض الايمان محضاً أو محض الشرك محضاً؛ رجعت، عمومی نیست و فقط مؤمنان خالص و محض و نیز مشرکان محض به دنیا بر می گردند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۹/۵۳)

رجوع مؤمنان ناب و کافران خالص با خانواده ها، و پیوستن آنها به پدران و همسرانشان:

جعفر بن فضیل می گوید: به محمد بن فرات گفتیم: «اصبغ را دیده ای؟» گفت: «آری، او را همراه پدرم دیدم، پیری سپید مو و سپید محاسن و بلند قد بود. پدرم به او گفت: - از احادیثی که خودت از امیرالمؤمنین شنیده ای برایمان بگو» گفت: «از علی علیه السلام روی منبر شنیدم که فرمود: من آقای سپید مویم و با ایوب شباهتی دارم و خدا، همان طور که اهل و خانواده ی ایوب را برایش جمع کرد برای من نیز جمع خواهد کرد.» می گوید: این حدیث را من و پدرم از اصبغ بن نباته شنیدیم و طولی نکشید که بعد از آن مرد - خدایش رحمت کند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۷/۵۳)

رجعت عدّه ای از اولیای خدا: و در حدیثی دیگر مروی است از امام صادق (ع) که چون حضرت قائم (عج) بیرون آید از پشت کوفه با او بیست و هفت کس از مردگان که زنده شده باشند همراه باشند؛ پانزده نفر از قوم موسی که مردم را هدایت به حق می کردند و به حق عدالت می نمودند و هفت نفر اصحاب کهف و یوشع بن نون وصی موسی و سلمان فارسی و ابودجانه انصاری و مالک

اشتر، پس ایشان یاوران او و حاکمان او باشند در شهرها (العیاشی، ۱۳۷۹ق: ۳۲/۲؛ الحر
العالمی، ۱۴۲۲: ۲۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۶/۵۲؛ شیخ مفید، ۱۴۱۴: ۳۸۶/۲)
و همچنین منقول است که چون آن حضرت ظاهر شود به قبر هر مؤمنی ملکی بیاید و بگوید امام تو
ظاهر شده است اگر می خواهی تو را زنده گردانیم که به او ملحق شوی و اگر خواهی در نعیم
پروردگار خود بمان تا روز قیامت. (الراوندی، ۱۴۰۹: ۱۱۶۶/۳؛ الحرالعالمی، ۱۴۲۲: ۲۷۱؛ مجلسی،
۱۴۰۳: ۹۱/۵۳؛ الطوسی، ۱۴۱۱: ۴۵۹؛ النجفی، ۱۴۲۰: ۳۶)

نتیجه

بدون شک اصل حیات مجدد امری ممکن است چرا که قیامت چیزی غیر از این نیست. رجعت تشابه
زیادی با قیامت دارد به گونه ای که می توان آن را قیامت صغری نام گذارد؛ زیرا در قیامت کبری همه
انسان ها بدون استثنا زنده خواهند شد. اما در رجعت عدّه خاصی از انسان های مؤمن و انسان های
کافر زنده می شوند. در قیامت روح به جسم انسان ملحق می شود و در رجعت نیز همین تعلق مجدد
صورت می گیرد.

چنانچه امکان قیامت را با گستردگی شگفت انگیزی که دارد پذیرفته باشیم، بنابر این رجعت را که در
قیاس محدودتری قرار دارد نیز پذیرفته ایم؛ زیرا همان خدایی که قادر است انسان را بی آفریند و به او
حیات بخشد و در قیامت برانگیزاند تا به اعمال او رسیدگی کند، توان آن را دارد که پیش از قیامت
هم، او را به دنیا بازگرداند و این رستاخیز را که از مظاهر شکوهمند قدرت اوست تحقق بخشد.

کتابنامه عربی

قرآن کریم.

الجوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق). الصحاح. الطبعة الاولى. بیروت: دار العلم للملایین.
الحر العالمی، محمد بن حسن. (۱۴۲۲ق). الایفاظ من الهمجعه بالبرهان علی الرجعه. الطبعة الاولى. قم:
دلیل ما.

حسینی بحرانی، سید هاشم. (بی تا). تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن. قم: دار الكتاب العلمیة.

الحلی، حسن بن سلیمان. (۱۳۷۰ش). مختصر بصائر الدرجات. نجف: المطبعة الحیدریة.

الراوندی، قطب الدین. (۱۴۰۹ق). الخرائج و الجرائح. قم: مؤسسه الامام المهدي (ع).

الزبیدی، محب الدین محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس. بیروت: دار الفکر.

شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۶ق). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام. نجف: المكتبة الحیدریة.

صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه. (۱۴۰۴ق). من لا یحضر الفقیه. الطبعة الثانية. قم: مؤسسه

النشر الإسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵ق). مجمع البیان. بیروت: مؤسسة الأعلمی.
طبری شیعی، محمد بن جریر. (۱۴۱۳ق). دلائل الإمامة. قم: مرکز الطباعة و النشر. مؤسسة البعثة.
طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱ق). الغيبة. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
_____ (۱۴۰۹ق). التبیان. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
علم الهدی، سیدمرتضی. (۱۴۰۵ق). رسائل الشریف المرتضی. قم: دار القرآن الکریم.
العیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۷۹ق). تفسیر العیاشی. تهران: المکتبة العلمیة الإسلامیة.
فیض کاشانی، محسن. (۱۴۱۶). تفسیر صافی. الطبعة الثانية. تهران: مکتبة الصدر.
فیومی، احمد بن محمد بن علی. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر. الطبعة الثانية. قم: مؤسسه دارالهجره.
قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر قمی. الطبعة الثانية. قم: دار الكتاب.
قولویه، جعفر بن محمد. (۱۴۱۷ق). کامل الزیارات. قم: مؤسسة نشر الفقاهیة.
کلینی الرازی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳ش). الکافی. الطبعة الخامسة. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
الکوفی، فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰ق). تفسیر الفرات الکوفی. تهران: مؤسسه الطبع و النشر التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی.
مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. الطبعة الثانية. بیروت: مؤسسة الوفاء.
مفید، محمد بن نعمان. (۱۴۱۴ق). الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. الطبعة الثانية. بیروت: دار المفید.
النجفی، سید بهاء الدین. (۱۴۲۰ق). منتخب الأنوار المضيئة. قم: مؤسسه امام الهادی (ع).

کتابنامه فارسی

اکبری، محمد رضا. (۱۳۸۷ش). عصر شکوهمند رجعت. قم: انتشارات مسجد جمکران.
حسینی بحرانی، سید هاشم. (۱۳۷۶ش). سیمای حضرت مهدی (عج) در قرآن ترجمه: مهدی حائری قزوینی. تهران: دفتر نشر آفاق.
راغب اصفهانی. (۱۳۹۲ق). معجم مفردات الفاظ القرآن. ترجمه سید غلام رضا خسروی حسینی. تهران: ناشر کتابفروشی مرتضوی.
رفیعی قزوینی، ابوالحسن. (۱۳۷۶ش). مجموعه رسائل و مقالات فلسفی. تهران: الزهراء.
سلیمان، خدامراد. (بی تا). بازگشت به دنیا در پایان تاریخ. قم: انتشارات انتظار نو وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

طاهری ورسی، احمد علی. (۱۳۸۴ش). رجعت یا حیات دوباره از دیدگاه عقل، قرآن و روایات. قم: انتشارات مسجد جمکران.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۶۵ش). تفسیر المیزان. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۲ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامية.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی